

## چند نکته دیگر در مورد برخی از اغلاط مشهور در املاي زبان فارسي دری

یکی از دوستان به دل نزدیکم، جناب امام الدین عبادی که فرهنگی والا مرتبتي هستند و از همکاران دایمی وبسایت فردا، در محبت نامه شان به من، در باره درست نویسی برخی از اغلاط مشهور در املاي زبان فارسي دری نکات جالبی نوشته اند

که با تشکر فراوان آن نکات را درج این مقال نموده وبا یکی دونکته دیگر از همین خامه و در همین مورد به دست نشر می سپارم.

آقای عبادی در مورد کار برد درست واژه های زیر در املاي زبان فارسي چنین نوشته اند:

- بهاء / بها : بهاء یک کلمه تازی است و در آن زبان به معنای روشنی، پرتو و درخشندگی می آید. و گهگاه آن را در کاربرد زیبایی، زینت و آرایش نیز به کار گرفته اند.  
در حالی که "بها" بدون همزه یک واژه پارسی است و در زبان ما به معنای قیمت، ارزش، نرخ اشیا به کار می رود.  
براین پایه به خوبی روشن می شود که به کار گیری هر یک از این دو به جای دیگری نادرست و شاید خنده آور باشد. زیرا هنگامی که در پشت کتابی می نویسند: "بهاء پنج دلار" یعنی "پرتو روشنایی پنج دلار". بنا براین درست این است که نوشته شود:  
بها پنج دلار.

- اعضای یکدیگر / اعضای یک پیکر  
که در آفرینش زیک گوهر اندیک دیگر اند  
درست نیست. درست آن:

بنی آدم اعضای یک پیکر اند که در آفرینش زیک گوهر اند  
زیرا چامه سرای چیره دست شیراز (سعدی) به نیکویی می دانسته است که چه می گوید و به زبان پارسی و معنای واژه ها به خوبی آشنا بوده است. او می خواسته بگوید که: همه آدمیان همانند اندامهای یک پیکر بزرگ هستند و رسم آدمیگری (انسانیت) نام دارد زیرا در آفرینش همه از یک گوهر بوده اند که خداوند نامیده می شود. از سوی دیگر بنی آدم اعضای یکدیگر اند از ریشه بی معناست. یعنی چه که بنی آدم اعضای یکدیگر اند؟  
(آقای عبادی نوشته اند که برخی از این مطالب را از شماره 51 مجله اسپند چاپ امریکا گرفته اند)

\* \* \*

باد و بروت:

درست آن "باد در بروت" یا "بادِ بروت" است.  
چند دعوی و دم و بادِ بروت  
ای ترا خانه چو بیت العنکبوت  
هنگامی که می گویند فلانکس با باد و بروت آمد، یعنی فلانکس در حالی که باد به سیل هایش (بروتهایش) انداخته بود آمد.

اینک / اکنون : این واژه ها معنای همسانی ندارند.  
اینک واژه بی است که اشاره به یک چیز یا یک آدم در نزدیک می کند. مثلاً : اگر کسی ببرد دستبند زرین من کجاست و آن دستبند روی میز و نزدیک پرشش شونده باشد پاسخ می دهد: "اینک دستبند تان!" و یا "اینه اینجاست!"  
همانگونه که اشاره به دور را "آنک می گویند و معمولاً به دنبال آن، چیز دیگری جز نام آن چیزی که خواست گوینده است گفته نمی شود. یعنی زمانی که کسی می گوید: دستبند من کجاست؟ یا باید گفت "اینجاست" یا باید گفت اینک. (ما افغانها در گویش روزمره خود می گویم "اینه". یا اگر در جای دورتری باشد باید گفت: "آنک دستبند". (البته که ما در گویش خود آنک را "اونه" می گویم).

باز آمده ام چو خونیان در بر تو اینک سر و تیغ هرچه خواهی می کن.  
حافظ می گوید:

خوش بسوز از غمش ای شمع که "اینک من" نیز  
به همین کار میان بسته و برخاسته ام

" به " را چگونه بنویسیم :

برای این که بدانیم در کجا " به " را از واژه جدا بنویسیم و در کجا " ب " را به واژه بعد از آن بچسبانیم، در زبان پارسی شش

معنا برای " به " یا " ب " شناخته شده است :

1- " به " که به معنای میوه شیرین است. در کاربرد این معنا ، بی گمان باید آن را جدا از واژه بعدی نوشت و واک " ه " را هم برزبان راند. مانند : این به شیرین از شهرسپاهان آورده شده است.

2- " به " که در کاربرد " سو " طرف وجهت می آید . چنین " به " را باید جدا نوشت و بی گمان " ه " آن نیز برزبان نمی آید مانند " از تهران به شیراز رفتم " یا " من به تو گفتم که به خانه ی پرویز نمی آیم . "

3- " به " به معنای " خوبی ، تندرستی و نیکی " . این گونه " به " را باید بی چون و چرا به پسوند ، یا به واژه بعدی چسبانید ،

" ه " آن را نیز برزبان راند و اگر جز این باشد نادرست است. مانند : بهداشت، بهبود، بهدین، بهزاد، بهنام .

4- گاه می شود که " ب " در نوشتار معنای " با " را می دهد ولی الف آن را می اندازند ( نمی نویسند ) و " ب " را به واژه که پس از آن است می چسبانند. مانند : بنام خدا ، که در آغاز " با نام خدا " بوده است. و یا " بدست او انجام شد " که " با دست او انجام شد " بوده است.

5- " ب " که در دستور زبان به آن " بای زینت " می گویند و در آغاز ( صیغه ی امر ) به کار می رود. مانند بز ، بشنو ، بگو و یا در ابتدای مضارع التزامی می آید مانند: بروند، بدانند، بگویی، بدانی و..

6- " ب " تاکید است که چنین " ب " نیز به واژه ی پس از خود می چسبد. و نیازی به " ه " ندارد. مانند بناچار، بناگاه

\* \* \*

و اما یکی دو نکته دیگر:

چسب / چسپ : نوشتن این دو واژه به هر دو شکل درست است. هم با " ب " و هم با " پ " . پس می توان هم چسبانیدن نوشت و هم چسپانیدن. در بعضی حالات چسپانیدن هم گفته شده .

تَعَيِّن / تعیین : این دو واژه از هم فرق دارند. تَعَيِّن به چشم دیدن چیزی و وبه یقین پیوستن ، لازم و محقق شدن امری یا چیزی را گویند . و هم به معنای بزرگی و دارایی پیدا کردن و جاه و مقام بزرگی داشتن آمده است اما معنای تعیین عبارت است از معین کردن ، مخصوص کردن، برگماشتن ، کسی را به کاری یا مقامی گماشتن و یا چیزی را برای کسی معین کردن می باشد.

تَغْيِير / تغییر: در مقاله " برخی از اغلاط مشهور ... " به اشتباه آمده بود که این دو واژه چون هر دو مصدر اند و ریشه عربی دارند ، معنای شان نیز یک سان است . اما همانطوری که استاد لطیف ناظمی در یادداشت شان متذکر شده بودند این دواژه معانی جدا گانه بی دارند و باید هنگام نوشتن یکی را به عوض دیگری به کار نگرفت. زیرا که تغییر ( تَ ، عَ ، يُّ ) از حال خود برگشتن و حالت دیگر به خود گرفتن است و یا دگرگون شدن ، خشم کردن و با تندى و خشم سخن گفتن است و لی تغییر

( تَ ) از حالی به حالی بر گردانیدن ، دگرگون کردن، چیزی را به حالت و شکل دیگر در آوردن است. پس هنگام نوشتن این گونه واژه ها ضرور است تا ظرافت های بالا را در نظر داشته باشیم. اما تَمْيِيز و تمییز همانطوری که در مقاله " برخی از اغلاط ... " آمده است فرق چندانی از هم ندارند.

به بهانه :

بسیاری ها به جای به مناسبی می نویسند به بهانه که البته درست نیست. مثلاً هرگاه ما مقاله بنویسیم در مورد شست ساله شدن ظاهر هویدا و عنوان مقاله را بگذاریم : " به بهانه شست ساله گی ظاهر هویدا . " ، یقیناً درست نوشته ایم . زیرا معنای صحیح بهانه چنین است: " توسل به علتی آشکار ولی دروغین برای مقصود پنهانی " مثلاً: احمد سردردی خویش را بهانه کرد و به مهمانی من نیامد. یعنی چون دل احمد نمی خواست که به مهمانی من بیاید، سردردی خود را بهانه کرد . پس

براین اساس باید گفت که در مثال بالا نویسنده شست ساله گی ظاهر هویدا را بهانه کرده و مقصودش از نوشتن مقاله چیز دیگری بوده است. همچنان به نظرم می رسد که در چنین مواردی کاربرد " درحاشیه " نیز درست نباشد. تا آگاهان چه در نظر آورند.

ادامه دارد